

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی  
۱۸ جولای ۲۰۱۶

## سخنی با هموطن و سایر هموعان!

این هم یک تحلیل ساده و پیاده من در مورد "کودتای ترکیه":

(کودتا در هر شکل و شمائلی که باشد، یک حرکت و پدیده ارتجاعی، ضدانقلابی و تحمیلی می باشد)

"رجب اردوخان" با طرح و عملی نمودن این کودتا، "ترکیه" را به سرعت به طرف اسلامیزه شدن سوق داده است. خوشبختانه کشور های ایران و افغانستان دارای هزاران تحلیلگر سیاسی می باشند. این تحلیلگران "مغرب" در مورد کودتای نمایشی و ساختگی "ترکیه" هزاران نوع تحلیل و تفسیر، اظهار نظر و درافشانی نموده اند. در میان انبوه این همه تحلیل ها فقط و فقط چند تحلیل سیاسی و علمی متعلق به تحلیلگران واقع بین و با مسؤولیت، به حقیقت نزدیک بود و بس.

همه می دانند که "اردوخان" یک اخوانی آدمکش و تبهکار و اما یک سیاستمدار محیل و میتکر می باشد. "کودتای ترکیه" به دستور سازمان "سیا" و توسط شخص اردوخان "برای سرکوب مخالفان سیاسی و به طور اخص چپ ها و سیکولار ها و تحکیم قدرت سیاسی و اسلامیزه ساختن قطعی" ترکیه " صورت گرفته است. همه می دانند که "اردوخان" عامل "سیا" بوده و بدون دستور آنان نمی تواند که بر وفق مراد و میل خودش عمل نماید. اگر فرضاً "اردوخان" خلاف میل بادرانش عمل نماید، بدون شک از کمک های مالی و تسلیحاتی آنان محروم گشته و بادران را بدان واداشته و مجبور می سازد تا توسط مهره های داخلی شان در دولت و ارتش "ترکیه"، کودتائی را در جهت سرکوب و نابودی "اردوخان" به راه بیندازند، وی و طرفدارانش را به سرنوشت "صدام"، "قذافی"، "حسنی مبارک"، "ضیا الحق"، "جنرال پنوشه"، "جنرال نوریگا"، "مارکوس" و حواریون شان، دچار سازند.

متأسفانه تحلیلگران افغان که بعضی از آنان ماسک چپ را نیز بر رخسار شان کشیده اند؛ "اردوخان" فاشیست، جاسوس و عامل "سیا" را رهبر ملی و مردمی ترکها قلمداد کرده و گویا کودتای تصنعی، تقلبی و عوامفریبانه ای را که توسط بادران خارجی "اردوخان" مهندسی و ذریعه شخص "اردوخان" برای بقای سیاسی و اجتماعی خود و حواریون اخوانی و هم چنان ضمانت منافع بادران امپریالیستی اش، به راه انداخته، اجراء و عملی گردید، یک حرکت و عمل خلاف معیار ها و موازن دموکراسی دانسته و اخوانی های تا مغز استخوان ضد دموکراسی و دشمن سوسیالیزم و

سیکیولاریزم "ترکیه" را ، نیروی مردمی و طرفداران دمکراسی خوانده و مدعی شده اند که "هیچ نیروئی نمی تواند که در مقابل اراده ملت پیروز گردد".؟

جای تأسف است که "تحلیگران" تا به حال واقف نگشته اند که دولت "ترکیه" یک دولت ارتجاعی ، فاشیستی، اسلامیت و اخوانی بوده که از پشتیبانی قاطبه ملت "ترکیه" بر خوردار نیست و یگانه پشتیبان این رژیم سفاک و خون آشام که در نسل کشی خلقهای قهرمان "کُرد"؛ ید طولی دارد، اخوانی های بومی و اخوانی های منطقه و جهان و امپریالیست ها می باشند!

عده ای دیگری که خود شان را مبارز و .....می خوانند، از یکسو بنا بر تعلقات ملیتی و طبقاتی ، از دولت و حکومت پوشالی کابل بالاخص از شخص وطن فروش، خائن و جاسوسی هم چو "غنی لیونی" و عملکرد های ضد ملی و مردمی وی پشتیبانی کرده و از جانب دیگر غلام بچه ناخلف، خائن، آدمکش، مزد و بی ناموس "عبدالله عبدالله"، مخترعان میخ کوبیدن و روغن داغ پاشیدن بر فرق انسان ها، معروف به چنگیز ها و هلاکو ها و گشتاپو های قرن همچو "محقق زنباره" و "خلیلی ... پاره" ، "رشید دوستم" نسل کش، دایم الخمر، فرصت طلب و جاسوس و .....را با شدید ترین الفاظ می کوبند. از طرفی دیگر همین "مبارزان" هم نواء با رئیس جمهور دستنشانده ، "رئیس اجرائیه" انتصابی و دیگر مقامات بلند رتبه دولتی و حکومتی ، از به اصطلاح کودتای "ترکیه" نفرت شان را برملا ساخته و از دولت فاشیستی آنکشور پشتیبانی کرده شخص "اردوخان" را دوست و برادر مسلمان مردم افغانستان می خوانند و کشور "ترکیه" را دوست تاریخی کشور و مردم ما قلمداد می کنند. در این جا به وضاحت دیده می شود و ثابت می گردد که وطن فروشان ، خائنان ، مرتجعان، فرصت طلبان، انقلابی نما ها و مبارز نما های مربوط ملیت های مختلف ساکن کشور، دارای منافع مشترک اند و تنها و در مواقعی با هم اختلافات سلیقه ئی دارند و بس.

جای کوچکتربین شک و شبهه در دوستی ها و مرادوات تاریخی بین دو ملت افغان و ترک نیست و اما دولت فاشیستی و اخوانی "ترکیه" دشمن سوگند خورده افغان و افغانستان می باشد. در زمان اشغال و حکمرانی "بلخ باستان" توسط "عبدالرشید دوستم" و "گلیم جمع" (گلم جم) هایش به همکاری مالی و تسلیحاتی دولت ارتجاعی "ترکیه"، مزار شریف" و دیگر اطراف ، گوشه ها و کرانه های زادگاه مشهور "زردشت"، "کاوه"، "آرش"، "مولوی" و ..... درفش های کشور ارتجاعی و اسلامی "ترکیه" در اهتزاز در آورده شد. سفارت کبرای کشور "ترکیه" خلاف تمامی تعهدات دیپلماتیک و معیار ها و موازین بین المللی، در "مزار شریف" گشایش یافت. مدارس "بلخ" همه و همه توسط استادان و معلمان ترکی تدریس می شد. سرود ملی کشور "ترکیه" قبل از آغاز دروس توسط شاگردان خوانده می شد و.... این به ذاتش از تجاوز مستقیم فرهنگی و تجاوز غیر مستقیم و اشغال "بلخ" توسط شوونیست ها و اسلامیت های "ترک"، بر حریم کشور ما حکایت می کند.

در زمان تجاوز "ناتو" و در رأس آنان امریکا ، کشور فاشیستی "ترکیه" عضو "ناتو"، صد ها تن از پرسونل و متخصصان نظامی و سربازانش را برای کشتار مردم افغانستان فرستاد که تا به امروز در کشتار مردم و ویرانی کشور ما مشغول می باشند.

شرم و ننگ بر آنعه از افغان هائی که از دولت اسلامی فاشیستی و شوونیستی وابسته به امپریالیزم "ترکیه" پشتیبانی می کنند و برای منافع شوونیستی ، استعماری و کلونیالیستی آنان ؛ میمونبازی و عوامفریبی می نمایند!

مرگ بر دولت فاشیستی، ارتجاعی وابسته به امپریالیزم "ترکیه"!

زنده باد مبارزات رهائیبخش خلقهای ترک و کُرد!